

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپای انقلاب

سال سیزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۸  
صفحه ۱۱۱ تا ۱۳۰

## جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره)

بهمن نوربخش / دانشجوی دکتری علوم سیاسی - گرایش سیاست گذاری عمومی - گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
b.noorbakhsh51@gmail.com

احمد ساعی / دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Ahmad\_s3321@yahoo.com

سعید میرتورابی / استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
saeedmirtorabi@gmail.com

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ پایانی بود بر حکومت‌های ستم شاهی در ایران و پس از آن نیز قانون اساسی به عنوان میثاق ملی با رای اکثریت تصویب گردید و به دنبال آن جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی شکل گرفت. از سوی دیگر الگوی حکمرانی خوب مفهوم جدیدی است برای شکل‌گیری توسعه پایدار که نظر به گذار به نگاه کیفی بجای نگاه کمی به دولت‌ها دارد و از سوی سازمان‌های بین‌المللی به ویژه بانک جهانی و سازمان ملل برای آن شاخص‌هایی در نظر گرفته شده است. در این مقاله تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که حکمرانی خوب در اسناد بالا دستی چگونه دیده شده است؟ آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی تضادی با این شاخص‌ها دارد؟ آیا در اندیشه سیاسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) به مولفه‌های حکمرانی خوب توجه گردیده است؟ در پاسخ به این سئوالات با به کارگیری مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای این فرضیه برجسته می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ تضاد مبنایی با این شاخص‌ها نداشته و قابلیت‌های مناسبی برای بهبود و ارتقای این شاخص‌ها وجود دارد. همچنین در اندیشه سیاسی امام خمینی نیز بسیاری از مولفه‌های حکمرانی خوب مورد تاکید بوده است مؤند اثبات فرضیه پژوهش خواهد بود.

**کلیدواژه:** استراتژی، انقلاب اسلامی، اسناد بالادستی، قانون اساسی، حکمرانی خوب، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۹/۰۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۷/۰۳

## مقدمه

انقلاب اسلامی در فضای جنگ سرد، در دوره ای به وقوع پیوست که نظام دو قطبی بر روابط بین الملل سایه انداخته و سیطره تفکر نظام سرمایه داری و نظام سوسیالیستی به عنوان تنها گزینه‌های موجود در مسیر نظام‌های سیاسی دنیا قرار داشت و سایه آن بر ملت‌ها سنگینی می‌کرد. انقلاب اسلامی به منزله گشودن دریچه‌ای نو در عرصه جهان مقهور ابر قدرت‌های شرق و غرب بود. این پیروزی که به اتکای نیروی ایمان و وحدت آحاد جامعه و رهبری بی‌بدیل امام به ثمر رسید راه سومی را در مقابل جهانیان گشود. نظامی که حاکمیت الهی و ویژگی بارز آن می‌باشد و در نظریه ولایت فقیه تجلی پیدا کرد. این نظریه پس از پیروزی انقلاب نیز در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای تشکیل نظام سیاسی گردید. که دو ویژگی و اصل بنیادی مبنای آن قرار گرفت: اصل چهارم قانون اساسی و اصل ششم قانون اساسی. اصل چهارم محتوای نظام (ابتنای قوانین بر اساس موازین دین و شرع اسلام: اسلامیت نظام) اصل ششم شکل اداره جامعه (اداره امور عمومی به اتکای آرای عمومی: جمهوریت).

از سوی دیگر جهان بین الملل عرصه خودنمایی تفکرات نظام سرمایه داری و سوسیالیستی بود که پس از فروپاشی نظام شوروی سابق به نوعی جنگ سرد نیز پایان یافت. در نظام‌های سیاسی دنیا نیز دولت حداقلی، دولت حداکثری و دولت رفاهی مطرح بودند. سرانجام از دهه ۱۹۸۰ بحث الگوی حکمرانی خوب مطرح گردید که مرحله گذار از نگاه کمی به نگاه کیفی به دولت‌ها است. این الگوی جدید برای اداره امور عمومی جامعه ایجاد شد که در آن استفاده از همه ظرفیت‌ها (دولت - جامعه مدنی - بخش خصوصی) مبنای اصلی گردید. در این میان بانک جهانی و سازمان ملل به طور گسترده از این واژه در متون خود استفاده کرده و شاخص‌هایی را مطرح و بر اساس آن به بررسی آنها در کشورها پرداختند.

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تبیینی نشان می‌دهد هیچ تضاد مبنایی بین شاخص‌های حکمرانی و اسناد بالادستی به ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی نبوده و قابلیت‌های مناسبی در جهت افزایش و کیفیت بخشی این شاخص‌ها وجود دارد و همچنین این مولفه‌ها در سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار بزرگ انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و در پایان راهکارهایی در جهت تقویت بیشتر مطرح می‌گردد.

## چهارچوب نظری

### حکمرانی خوب

حکمرانی خوب یک مدل جدید است که پس از فراز و نشیب‌هایی در عرصه تحولات از اندیشه‌های توسعه به دیدگاه غالب تبدیل شده است. در سیر تحولات اندیشه توسعه، نظریه حکمرانی خوب یعنی نحوه مطلوب اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم به عنوان اساس توسعه بیان شده است (جاسبی، نظری، ۱۳۸۸). مفهوم حکمرانی زمینه ساز بازاندیشی در روابط کنشگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است همکنشی میان این کنشگران در محیط حکمرانی بر قاعده «نسبی شدن» قدرت دولت در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی استوار است (وحید، ۱۳۸۷: ۲۸۹).

بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دست‌یابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق این تعریف کشورها باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع فرآیندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط‌مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت پردازند. قطعنامه کمیسیون حقوق بشر آشکارا حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می‌داند که رو به سوی بهره‌مندی از حقوق بشر و رشد توسعه انسانی پایدار دارد. با پیوند حکمرانی خوب و توسعه انسانی پایدار بر اصولی چون مشارکت جویی و ارتقای حقوق بشر تأکید می‌گردد (کمیجانی، سلاطین، ۱۳۷۸).

بر این اساس می‌توان گفت که در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد. این شراکت موجب می‌شود به شکل بهینه‌ای از امور بهره‌برداری شود.

### روند شکل‌گیری حکمرانی خوب

در حوزه علم اقتصاد و توسعه می‌توان پس از جنگ جهانی دوم سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی را به سه مرحله متمایز از هم تقسیم کرد: دوره نخست از پایان ج ۲ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ است در این مرحله نظریات اقتصادی کینزی در پاسخ به بحران‌های بزرگ ۱۹۲۹ دولت را عامل نجات بخش شکست بخش خصوصی دانسته که با طرح‌های عمرانی دولتی فرآیند توسعه را سرعت می‌بخشد. اما در ادامه مشخص گردید که شرکت‌های دولتی عملاً نتوانستند کارایی و انعطاف‌پذیری لازمه به نمایش بگذارند و اکثر آنها زیان‌ده گردیدند. در دوره دوم در پاسخ به این شکست رویکرد مکتب شیکاگو که به اجماع واشنگتن معروف شد، چرخشی به باور به قدرت بخش خصوصی و انتخاب مردم به وجود آمد و کارآمدی رقابت جای تخصیص

دولتی منابع را گرفت. در این نگاه هر گونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بخش خصوصی به وجود آورد بوده ضد تولیدی تلقی می‌شد. یعنی نگاه به دولت از عامل توسعه به جدی ترین مانع توسعه تغییر کرد. در تغییر نگاه از دولت بزرگ به دولت حداقلی سنت فکری نئو کلاسیک، مکتب اتریشی و مکتب انتخاب عمومی به نوعی تأثیر گذار بودند و اندیشمندانی چون هایک، فریدمن از برندگان جایزه نوبل تأثیر به سزایی در این حوزه داشتند.

از اواسط دهه ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به رویکرد حداقلی شکل گرفت و از این پس شاهد موج تازه ای از نظریات هستیم و همان محافل مروج دولت حداقل به ترویج نظریه حکمرانی خوب پرداختند که در این میان نقش اقتصاددانانی همچون داگلاس نورث و بیش از همه ژوزف استیگلتز برجسته بود که ریشه در مکتب نهاد گرایی جدید داشت. (میدری، ۱۳۸۵: ۳۶۴).

شعار دوره اول: «دولت موتور توسعه» بود و شعار دوره دوم «دولت کوچک» اما در سیر تحولات نظریه ها؛ در دوره سوم می‌رسیم که شعار «حکمرانی خوب» است. در دوره سوم کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است (میدری، خیرخواهان، ۱۳۸۳).

### شاخص های اندازه گیری حکمرانی خوب

برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی - اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند. سازمان ملل معتقد است حکمرانی خوب تضمین کننده کمینه شدن فساد، احترام به نظر اقلیت ها و اقشار آسیب پذیر در انجام تصمیم گیری است و بر این اساس، ۸ شاخص را معرفی میکند که عبارتند از:

۱ مشارکت: مشارکت سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب است. مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آنها یا نمایندگان منتخب باشد (UNDP, 2010).

نکته مهم این است که ایجاد دموکراسی الزاما به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب پذیر در اتخاذ سیاست‌ها نیست، بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق گردد (Daines, 2010: 441).

۲. حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بیطرفانه‌ای است که غیر مغرضانه اجرا شوند. باید حقوق بشر و در رأس آن حقوق اقلیت‌ها حفظ گردد. اجرای بیطرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی نظارتی سالم انجام پذیر است (UNDP, 2010).

۳. شفافیت: شفافیت به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آنها تأثیرگذار باشد. در این راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود (Elahi, 2009: 1169).

۴. مسئولیت پذیری: در حکمرانی خوب، سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسوول باشند (UNDP, 2010). هر مشکل یا بحران در سطح جامعه میبایست توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی نباشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

۵. اجماع محوری: در سطح جامعه، کنش گران زیادی با نظرات مختلف حضور دارند. حکمرانی خوب می‌بایست منافع متفاوت گروه‌های گوناگون را با دستیابی به اجماع گسترده فراهم نماید (UNDP, 2010).

تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع فرایندی است که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است. اجماع محوری نیازمند درک درست از دورنمای توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف است (UN-HABITAT, 2006).

۶. عدالت: رفاه و سلامت در جامعه زمانی به وجود می‌آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیرگذار پندارند (UNDP, 2010). عدالت تنها با ایجاد فرصت برای افشار آسیب پذیر برای بهبود وضعیت رفاه و آسایش خود میسر می‌شود (Gradestin, 2008: 509).

۷. حق اظهار نظر: حق اظهار نظر شهروندان نیاز کلیدی برای حکمرانی خوب در سطح جامعه به شمار می‌رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به ذینفعان خود اجازه بیان درخواست‌ها و نظراتشان را بدهند (UNDP, 2010). حق اظهار نظر به معنای آن است که در مقابل نظرات بیان شده، مقام‌های دارای قدرت و مجریان نیز باید پاسخ گو باشند. اینکه پاسخ‌گویی از طرف چه کسی و به چه فردی است، بر حسب نوع تصمیمات و فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد متغیر است. هر سازمانی در قبال کسانی که به وسیله کارهای انجام شده توسط سازمان تأثیر می‌پذیرند، پاسخ‌گوست (Elahi, 2009: 1170).

۸. کارآیی و اثربخشی: حکمرانی خوب به معنای آن است که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و بهترین استفاده را از منابع بنمایند (UNDP, 2010).

مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب در بر گیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست (UN-HABITAT,2006).

جدول ۱: گروه بندی شاخص های حکمرانی خوب

شاخص ها	
مشارکت	- حق اظهار نظر - انتخابات آزاد و منصفانه - تکثیرگرایی رسانه ها - اجماع - آزادی سیاسی
پاسخگویی	- پاسخگویی - مسئولیت پذیری - اعتماد - شفافیت - رفتار اخلاقی و صادقانه
عدالت و برابری	- کیفیت مقررات - حاکمیت قانون - توزیع عادلانه - انصاف - تساوی حقوقی - میزان تحمل تنوع
توسعه انسانی	- توانمند سازی جنسیتی - توسعه انسانی - کیفیت زندگی
کارایی و اثربخشی دولت	- کنترل فساد - اثربخشی دولت - کارایی قضایی - کارایی اداری - توانایی رقابت در محیط جهانی - ثبات سیاسی و فقدان آشوب

### حکمرانی خوب در اسناد بالادستی و دیدگاه های امام خمینی (ره)

با پیروزی انقلاب اسلامی قانون اساسی بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت تنظیم شد و برای هر یک از این دو سازوکارهای مختلفی پیش بینی گردید از طرفی بر سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان و نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی تأکید شده و از سوی دیگر، نظارت دقیق اسلام شناسان عادل، پرهیزگار و متعهد، ضروری دانسته شده است (اشرفی، ۱۳۷۵: ۳).

همچنین تصریح شده است که در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید اتکای آرای عمومی از طریق انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها یا از طریق همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر معین می گردد (اصل ششم قانون اساسی) اداره شود، آنگاه با استناد به دستور قرآن کریم، و امرهم شوری بینهم و شاورهم فی الامر، مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش و روستا از ارکان تصمیم گیری و اداره کشور به شمار آمده است (اصل هفتم قانون اساسی) بنابراین ظرفیت مناسبی برای توسعه مردم سالاری را در کشور دارا است. با الهام از همین قانون می توان شکل های مشارکت

مردم در اداره امور عمومی جامعه ایران را در ابعاد اقتصادی (اصول ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۹، ۱۰۱) فرهنگی - اجتماعی (اصول ۲۴، ۲۶) سیاسی - اداری (اصول ۶، ۷، ۸، ۱۹، ۲۰، ۵۹، ۶۴، ۱۰۰) دسته بندی نمود (قلی پور: ۱۳۸۳).

از جمله دستاوردهای مهم در ارتقای مشارکت مردم که در جمهوری اسلامی تحقق یافت شوراهای اسلامی شهر و روستا می باشند. که در کاهش تمرکز اداری و واگذاری بخشی از اختیارات نظام سیاسی به نهادهای محلی نقش زیادی دارند که در اصل ۱۰۰ قانون اساسی و مواد ۱ و ۷۷، ۷۶، ۷۴، ۷۰، ۶۸ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای مصوب ۱۳۷۵ آمده است. همچنین در سیاست های کلی برنامه های توسعه در ایران همواره بر مسئله مشارکت مردم تاکید شده است. برای نمونه می توان به بند ۳۶ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اشاره کرد: تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (سیاست های کلی نظام مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام)

جایگاه ویژه مردم و حضور آنها در تعیین سرنوشت سیاسی خویش در اندیشه امام (ره) نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. در موارد متعدد به آنها اشاره شده است. ایشان در کنار تأکید بر بعد اسلامیت همواره از مشارکت و رأی مردم دفاع کرده اند: حکومت جمهوری مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای ملت می باشد. (ضمیری، ۱۳۸۸: ۱۴۵)

در ادامه می فرمایند: ما تابع آراء ملت هستیم، ملت ما هرطور رأی داده، ما هم از آن تبعیت میکنیم. ما حق نداریم بر ملتمان چیزی را تحمیل کنیم. اساس این است که مسأله دست من و امثال من نیست و دست ملت است (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۴)

### پاسخگویی

قانون اساسی پاسخگویی را بعنوان یکی از سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی و مردم سالاری در نظر گرفته و همه اجزاء حکومت و دولت را با روشهای متفاوت مکلف به پاسخگویی در برابر مردم و نیز در برابر نهادهای نظارتی نموده است. جدول شماره ۲ سازوکارها و روشهای پاسخگویی نهادها و قوای مختلف در ایران را به نمایش می گذارد.

جدول ۲- پاسخگویی قوای مختلف در ایران بر مبنای قانون اساسی

مقام رهبری	۱- پاسخگویی در برابر خبرگان (اصل ۱۱۱)
رئیس جمهور	۱- پاسخگو در برابر رهبری (اصل ۱۲۲) ۲- پاسخگو در برابر مجلس (۸۹ و ۱۲۲)

	۳- پاسخگو در برابر ملت (۱۲۲)
قوه مقننه	۱- پاسخگو در برابر مردم (اصل ۹۰) ۲- پاسخگو در برابر رهبری در تبعیت از سیاستهای کلی نظام
قوه مجریه	۱- پاسخگو در برابر مجلس - اجرای قانون - پاسخگو به تحقیق و تفحص - پاسخگو به سوال و استیضاح (۸۹) - اجرای دقیق قانون زیر نظر مجلس - پاسخگو به شکایات مردمی ۲- در برابر قوه قضائیه - احقاق حقوق شهروندان (دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی) - تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی - اجرای صحیح و دقیق قوانین (سازمان بازرسی کل کشور) - بررسی داریی رئیس جمهور، وزراء و معاونین رئیس جمهور ۳- پاسخگو در برابر مقام رهبری در تبعیت از سیاستهای کلی نظام
قوه قضائیه	۱- پاسخگو در برابر مجلس - اجرای قانون - پاسخگویی به شکایات مردمی - تحقیق و تفحص ۲- پاسخگو در برابر رهبری ۳- پاسخگویی در برابر رئیس جمهوری (در قانون تصریح نشده. اما به موجب وظیفه رئیس جمهور که مسئول اجرای قانون اساسی است در صورت تذکر قانون اساسی رئیس جمهوری، قوه قضائیه باید پاسخ مناسب را بدهد)
سایر نهادهای عمومی	۱- پاسخگویی نیروی انتظامی و لشکری به مقام رهبری ۲- پاسخگویی شورای نگهبان به مقام رهبری ۳- پاسخگویی صدا و سیما به مقام رهبری و به مجلس (در قانون اساسی تصریح نشده است) ۴- پاسخگویی شهر داریها به شورای شهر

(منبع: قلی پور، ۱۳۸۳، ۲۰۹)

دقت در اصول مطرح شده بالا نشان می دهد قانون اساسی پاسخگویی را به عنوان یکی از سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی در نظر گرفته است و همه اجزاء حکومت را با روش های



متفاوت مکلف به پاسخگویی در برابر مردم و نیز در برابر یکدیگر نموده است و برای تحقق آن تدابیری اندیشیده است.

در اندیشه امام خمینی (ره) هر چند به صراحت واژه‌هایی که امروز به عنوان شفافیت از آن تعریف و نام برده می‌شود، بیان نشده است، اما با بررسی متون، سخنرانی‌ها و بیاناتشان و با تأکیدی که بر سایر مؤلفه‌های دموکراتیک مانند آزادی، مطبوعات آزاد، آزادی گروه‌ها و احزاب، مشارکت، مجلس، انتخابات و... داشته اند، می‌توان به خوبی تأیید ایشان را بر مقوله شفافیت و لازم بودن آن درک کرد. به عبارتی، امام بر جریان آزاد اطلاعات و آگاهی مردم از آن صحنه می‌گذارند. امام در این خصوص در دیدار با مسئولان و مدیران دولت می‌فرمایند: ما باید هر کاری که می‌کنیم، شما آقایان هر کاری که می‌کنید، به مطبوعات در رادیو - تلویزیون عرضه کنید (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۸۹)

وی در دیدار با ائمه جمعه و جماعات با تأکید بر این حق مسلم مردم یعنی آگاهی شفاف و کامل (سفرارش می‌کنند: ائمه جماعات و ائمه جمعه همه توجه کنند به اینکه تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند و توجه مردم را به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی جلب کنند) (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۴۱۶)

امام خمینی (ره) با تأکید بر امر پاسخگویی در این خصوص می‌فرمایند: من از کسانی که با من ملاقات دارند و هر روز می‌آیند، خواهش می‌کنم این را به مردم بگویند که در خانه ما باز است. امام در ارتباط با اهمیت حضور مردم و مشارکت آنها و لزوم ارائه گزارش عملکرد دولت به مردم تأکید می‌ورزند و می‌فرمایند: چنانچه بارها تذکر داده ام، دولت، بدون شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۸)

### عدالت و برابری

پیدایش دغدغه زندگی عادلانه، همزاد زندگی اجتماعی بشر است و به همین دلیل مهم ترین مسئله او هنگام اندیشه ورزی در خصوص مسائل اجتماعی بوده است. عدالت اجتماعی به تعداد حوزه‌های اجتماعی قابل تفکیک است. بنابراین مقوله کلی عدالت اجتماعی تحت مفاهیم عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و عدالت حقوقی از یکدیگر قابل تفکیک است. قانون اساسی نیز در اصول متعددی بر تأمین عدالت در همه ابعاد تأکید نموده است. در ذیل به برخی از اصول اشاره می‌شود:

- عدالت به معنای رفع تبعیض (بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی و اصل چهل و هشتم)

-عدالت به معنای برابری؛ همه افراد اعم از زن و و مرد (اصل بیستم)  
 -عدالت به معنای حق و حقوق متناسب (اصل بیست و نهم برخورداری از تأمین اجتماعی، اصل سی آموزش رایگان و اصل سی و یکم داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق همه شهروندان ایرانی دانسته است)

-عدالت به معنای برقراری شرایط مساوی و برابر (اصل بیست و هشتم و بند ۱۴ اصل سوم)  
 بنابراین مشاهده می‌شود که قانون اساسی، نظام را مبتنی بر پایه عدالت معرفی می‌کند و دستگاه‌های اجرایی را مکلف به برپایی عدالت در ابعاد مختلف می‌داند. (قلی پور، ۱۳۸۳: ۲۵۱).  
 امام خمینی (ره) نیز در راستای همین حرکت قرآنی، هدف نهایی اسلام را برقراری عدالت و تشکیل حکومت در جهت این مقصود معرفی میکنند: "اسلام حکومت است با تمام شئون آن، احکام شرعی قوانین اسلام است و قوانین شأنی از شئون حکومت است؛ همه احکام برای اجرای حکومت و بسط عدالت مطلوب بالعرض و امور عالی است (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۷۲)  
 ما می‌گوییم حکومت اسلامی، حکومت عدالت است یک حاکم عادل به بیت المال خیانت نمی‌کند، ما این یک مطلب را می‌گوییم. این مطلبی مطبوع است که در هر جامعه بشری گفته شود، از ما می‌پذیرند (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۵۰۹)

بدین ترتیب، با اشاره صریح و روشن امام خمینی (ره) به مقوله حکومت اسلامی و عدالت، و هم عرض و مترادف دانستن عدالت با اسلام، مهمترین اصل و شالوده برنامه های زندگی فردی و اجتماعی باید بر آن اساس تنظیم شود.

همچنین در بند اول سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴، سیاست های کلی برنامه توسعه اجتماعی برنامه چهارم (بند ۱۲) و برنامه پنجم (بند ب) بر تلاش برای تحقق و گسترش عدالت اجتماعی تاکید شده است. (سیاست های کلی نظام مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام)

### حقوق و کرامت انسانی

در قانون اساسی، همه افراد جامعه صرف نظر از نژاد، زبان، قومیت و جنسیت در تمامی عرصه های اجتماعی از حقوق مساوی برخوردارند (اصول ۲۱، ۱۸، قانون اساسی) از دیگر سو، تعرض به جان، مال، حیثیت، مسکن، عقیده و فکر ممنوع است و قانون از آن نگرهبانی می‌کند (اصول ۲۲، ۹۲، ۱۲، ۲۶) در قانون اساسی سیستم قضایی برای حراست از حقوق فردی و اجتماعی تمامی شهروندان به صورت مستقل استقرار یافته است. همچنین دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرگونه اعمال مجازات از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون خواهید بود (اصول ۹۹، ۹۲، ۹۶)

در فصل سوم قانون اساسی انواع حقوق مردم و آزادی های اجتماعی و حدود آن بیان شده است. آزادی های فردی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی را می توان به موارد ذیل تقسیم بندی کرد: ۱- حقوق و آزادی های فردی ۲- آزادی های مربوط به اندیشه و بیان ۳- امنیت قضایی شهروندان ۴- حقوق و آزادی های مدنی (اجتماعی) با این وجود در میان آزادی های مذکور، اصولاً آزادی های مربوط به اندیشه و آزادی های فردی به عنوان بدیهی، ابتدایی ترین و در عین حال مهمترین حقوق و آزادی های فردی شهروندان از اهمیت ویژه ای برخوردارند. مهمترین آزادی های مربوط به اندیشه شامل آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان و آزادی مطبوعات و مهمترین آزادی های عملکرد فردی شامل آزادی تن، آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه، آزادی مکاتبات و ارتباطات و آزادی رفت و آمد می شود. برخی از این حقوق به شرح زیر می باشد:

- حق برابری همه مردم در برابر قانون
- حق برخورداری همه مردم از حقوق مساوی، بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها
- حمایت یکسان قانون از زن و مرد و برخورداری هر دو آنها از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی
- حق برخورداری مردم از امنیت و مصونیت از جهت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل
- حق مصونیت از تجسس
- حق برخورداری از امنیت و مصونیت قضایی؛ براءت، منع شکنجه، منع هتک حیثیت و تعرض
- حق آزادی بیان، قلم و مطبوعات در حدود مقرر در اسلام.
- حق برخورداری از آزادی های گروهی؛ مانند تشکیل احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی و راهپیمایی ها
- حق آزادی های فکری و عقیدتی و منع تفتیش عقاید
- حق آزادی کار و شغل
- حق برخورداری از تامین اجتماعی. حق برخورداری رایگان از وسایل آموزش و پرورش
- حق برخورداری از مسکن متناسب با نیاز
- حق انتخاب محل اقامت
- حق دادخواهی و رجوع به دادگاه های صالح و حق در دسترس داشتن این گونه دادگاه ها
- حق انتخاب وکیل و حق فراهم شدن امکانات تعیین وکیل در صورت عدم توانایی فرد برای انتخاب وکیل

- حق داشتن تابعیت ایرانی برای هر فرد ایرانی و حق برخورداری اتباع خارجه از تابعیت ایرانی در حدود قوانین

همچنین در بند اول سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴ به اهمیت آزادی های مشروع و در سیاست های کلی برنامه های توسعه به ویژه در بند ۳۸ برنامه پنجم بر حمایت از آزادی های مشروع و سیانت از حقوق اساسی ملت تاکید شده است (سیاست های کلی نظام مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام).

امام خمینی (ره) نیز در بیانات مختلف از آزادی دفاع نموده و به عنوان یک حق اولیه از آن یاد می کنند. امام مصدر آزادی را ذات باری تعالی می دانند و در پاسخ به خبرنگار تایمز می گویند: ریشه و اصل همه عقاید که مهمترین و با ارزشترین است، اصل توحید است. این اصل به ما می آموزد از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد، مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد. و هیچ انسانی حق ندارد، انسانهای دیگر را مجبور به تسلیم در برابر خود نماید. ما از آن اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند و یا آن را بنا به خواسته ها و امیال خود تنظیم نماید (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۸۷). امام در طول مبارزات خود، چه در داخل کشور و چه در دوران تبعید، همواره از آزادی به عنوان علت مبارزات ملت ایران یاد کرده است. نه به پیروی از یک ارزش غربی و جدید، بلکه به عنوان یک عنصر و ارزش فطری و بنیانی انسانی همواره چنانچه از شعار مردمی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی برمی خیزد، آزادی را در کنار استقلال و با دیدگاه خاص ایشان که برخاسته از وضعیت اعتقادی جامعه اسلامی است، مورد توجه قرار می دهند و می فرمایند: "اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش میرسد و مراعات همه حقوق را میکند (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۵۲۶)

### حاکمیت قانون

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحدید وظایف و اختیارات کار گزاران و برابر شمردن آنها با آحاد ملت و همچنین پیش بینی نظارت های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۹)

تساوی و برابری افراد در برابر قانون یکی از ابزارهای حاکمیت قانون می باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این اصل تاکید اساسی شده است. بند ۶ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف اصلی دولت را محو هرگونه اشکال استبداد و

خودکامگی و انحصار طلبی می‌داند. همچنین در اصل ۱۰۷ قانون اساسی با تاکید کردن بر برابری بالاترین مقام سیاسی و اجرایی کشور با دیگران در برابر قانون، اصل حاکمیت قانون را به صراحت بیان شده است.

اصول مختلفی که در قانون اساسی، مبین وظایف و اختیارات مسئولین نظام است را نیز می‌توان از جمله اصول مربوط به حاکمیت قانون دانست.

اصل ۱۱۰ و اصولی همچون: ۱۷۰، ۱۵۶، ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۱۳، ۷۲، ۷۱، ۱۷۳ محدودده وظایف و اختیارات کاگزاران نظام اسلامی را مشخص کرده است.

از جمله مبانی حاکمیت قانون، شناخت مسئولیت زمامداران در صورت تخطی از قوانین می‌باشد که در اصول متعددی به آن اشاره شده است؛ مثلا در اصل ۱۱۱ مسئولیت رهبری در مقابل مجلس خبرگان، مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنین در اصول ۱۳۴-۱۲۲-۸۸-۸۹ در خصوص مسئولیت سیاسی رئیس جمهور در برابر ملت، رهبری و مجلس شورای اسلامی و در اصل ۱۴۰ در رابطه با مسئولیت قانونی رئیس هیات وزیران توجه شده است. مسئولیت سیاسی وزیران نیز در اصول ۸۸ و ۸۹ و مسئولیت کیفری آنان در اصل ۱۴۰، مورد توجه قرار گرفته است. اصل ۸۴ نیز مبین مسئولیت سیاسی نمایندگان مجلس در مقابل مردم بوده که با توجه به تفسیر شورای نگهبان از اصل ۸۷، میتوان مسئولیت کیفری و کلای ملت را نیز استناد کرد. همچنین اصل ۱۷۱ در خصوص مسئولیت حقوقی قضات در صدور رای و مفهوم خلاف اصل ۱۶۴ در رابطه با مسئولیت کیفری و اداری آنان در صورت ارتکاب جرم یا تخلف نیز جالب توجه است. البته بدیهی است که بدون وجود نظارت موثر و کافی، مسئولیت های مزبور، فاقد ضمانت اجرایی لازم خواهد بود. از این رو اصل ۱۱۱ در خصوص نظارت مجلس خبرگان بر رهبری نظام اسلامی و اصول ۱۳۶، ۱۳۳، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۷۶، ۵۵، ۵۴ و ۵۲ قانون اساسی که مبین نظارت مجلس شورای اسلامی بر قوه مجریه می‌باشد و اصول ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۴۰ و بند ۱۰ اصل ۱۱۱ در ارتباط با نظارت قوه قضائیه بر قوه اجرایی کشور و همچنین اصل ۵۷ و بند ۷ و اصل ۱۱۰ که به نظارت عالی رهبری بر قوای سه گانه اختصاص یافته، قابل توجه است. در این راستا، اصل ۱۴۲ که رسیدگی به اموال و دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان وی و وزرا و خانواده آنها را بر عهده رئیس قوه قضائیه قرار داده تا برخلاف حق افزایش نیابد، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پذیرش اصل ۵۷، قوای سه گانه را از یکدیگر مستقل در نظر گرفته و در نتیجه قانون اساسی به اصل حاکمیت قانون صحه گذاشته است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۲۹)

اهمیت قانون و قانونمداری در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) را نیز باید در راستای جهان بینی و الگوی مطلوب زندگی و اهداف آن، در دیدگاه ایشان مد نظر قرار داد. زیرا حضرت امام (ره) منشأ اصلی صدور قوانین و دستورات را که لازمه سعادت بشر است، ذات باری تعالی میدانند که شرع مقدس اسلام آن را به صورت یک مکتب دینی، الهی و سیاسی ساماندهی کرده است.

امام می فرماید: "اسلام دین قانون است، قانون پیامبر هم نمی توانست خلاف کند، نمی کردند، البته نمی توانستند بکنند. خدا به پیامبر میگوید: "اگر یک حرف خلاف بزنی، رگ و تنت را قطع میکنم، حکم قانون است، غیر از قانون الهی کسی حق ندارد، برای هیچکس نیست، فقیه و غیر فقیه، همه تحت قانون عمل میکنند؛ مجری قانون هستند هم فقیه و هم غیر فقیه، همه مجری قانون هستند. (امام خمینی، ۱۳۸۳، ۵۳) ایشان ضمن تأکید بر قانون به عنوان شالوده اجرای امور و فرآیند صدور احکام، می فرمایند: در حکومت اسلام، قانون اسلام، حکومت میکند! افراد برای خودشان حکومت نمی کنند، در اسلام؛ حکومت، حکومت قانون است. حتی حکومت رسول الله (ص) و حکومت امیرالمؤمنین (ع) حکومت قانون است (امام خمینی، ۱۳۸۳، ۲۱):

### کارایی و اثر بخشی دولت و مبارزه با فساد

پس از پیروزی انقلاب، به دلیل مصادره و ملی شدن بسیاری از شرکتهای، بخش دولتی شاهد حضور چشمگیر و بسیار سریع تعداد زیادی از شرکتهایی شد که تنها به دلایل سیاسی و غیر اقتصادی، مدیریت دولتی بر آنها حاکم گردید. طی سالهای اولیه انقلاب، بودجه شرکتهای دولتی در مجموعه بودجه کل کشور به سرعت افزایش یافته بود و این امر حاکی از سهم هر چه بیشتر شرکتهای دولتی در فعالیتهای اقتصادی است، در این سالها بدهی مجموعه شرکتهای دولتی به دولت و سیستم بانکی به مراتب افزایش یافت بگونه ای که عدم کارایی و نامطلوب بودن ساختار تولید و بکارگیری عوامل تولید، ساختار نامناسب مالی و عملیاتی از خصوصیات و اصلی شرکتهای دولتی در ایران است و این امر به شدت شفافیت اقتصادی را مخدوش و زمینه رانت خواری و رانت جویی در سطح وسیع را فراهم آورده است (جدی نیا، ۱۳۷۸: ۷-۳)

همچنین در نتایج ایندکس ادراکات فساد در سال ۲۰۰۶، ایران با امتیاز ۲/۷ در میان ۱۶۳ کشور، از لحاظ کنترل فساد دارای رتبه ۱۰۶ می باشد. تفسیر امتیازات ایندکس اینگونه است که امتیاز ۱۰ به معنای عدم وجود فساد و امتیاز صفر به معنای حداکثر فساد می باشد. در این

ایندکس، نمرات کمتر از ۵ بیانگر کشورهایی است که دارای مشکلات جدی در زمینه فساد می‌باشند (Transparency International, 2006)

در پی آشکار شدن عدم کارایی ناشی از فعالیت مجموعه شرکت‌های دولتی در ایران، سیاست خصوصی سازی به عنوان یکی از راه حل های بهبود عملکرد، مد نظر تصمیم گیرندگان قرار گرفت. خط مشی های قانون برنامه اول توسعه و تبصره ۳۲ این قانون به عنوان اولین رهنمودهای حقوقی، قانونی و سیاسی در زمینه تعیین تکلیف وضعیت مالی و عملیاتی شرکت های دولتی، نقطه آغاز برای بررسی و مطالعه، تصمیم گیری، ارزیابی و اولویت بندی در واگذاری شرکت های دولتی شدند.

مهمترین تحول در زمینه خصوصی سازی در ایران، با ابلاغ بند "ج" سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۵ شکل گرفته است که شامل واگذاری ۸۰ درصد از سهام تعاونی سهامی عام و بنگاههای عمومی غیردولتی می‌باشد. تاکید بر مبارزه با فساد در بند سوم سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴، اصلاح نظام اداری و قضایی در بند ۱۷ برنامه چهارم توسعه و بند ۱۴ برنامه پنجم حاکی از اهمیت مبارزه با فساد و تلاش در جهت بهبود کارایی و اثربخشی دولت می‌باشد.

امام خمینی (ره) نیز به عنوان یک مصلح اجتماعی، سعادت دنیوی و اخروی جامعه را در دستور فعالیت های اجتماعی و سیاسی خود قرار می‌دهد و هدف خود را رفع فساد و رسیدن به یک جامعه توحیدمحور اعلام می‌کند. لذا معتقد بودند برقراری هر نظام سیاسی غیراسلامی، زمینه فساد در آن بیشتر است. به تعبیر ایشان، حاکمش طاغوت است. وی در ادامه این بحث می‌فرماید: به این دلیل، هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش طاغوت است و ما موظف هستیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنها دور کنیم و از بین ببریم (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳۵) انتقادات ایشان بیشتر در خصوص برنامه های وارداتی توسعه و مدرنیزاسیون وارداتی بود که در حوزه های مختلف حیات اجتماعی، تأثیرات خود را به جای می‌گذاشت. امام با توصیف مظاهر فساد در اجتماع و ریشه یابی این فسادها که منشأ داخلی و خارجی آنها را عیان می‌کند، همواره برای مبارزه با فساد همچنان که سیره مصلحان اجتماعی است، به بعد معنوی، روح دینی و فطری افراد در جامعه ارجاع می‌دهند و به گسترش مکارم اخلاقی توصیه می‌فرمایند. وی توجهی فراوان به رأس هرم قدرت در جامعه مبذول داشته اند و یکی از راهکارهای اصلاح جامعه و مبارزه با فساد را صلاحیت حاکمان می‌دانند. در کنار تأکید بر مسائل نهادی و حکومتی در امر مبارزه با فساد، امام خمینی (ره) به

عنوان یک معلم اخلاق، همواره افراد را دعوت به صلاح، تربیت اخلاقی و تهذیب نفس می کردند و خودسازی را همواره گوشزد مینمودند: «اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح نکنیم، قوانین اسلام را در خودمان اجرا نکنیم، نمی توانیم حکومت اسلامی تشکیل دهیم» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۸۴)

با توجه به موارد ذکر شده می توان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران در حوزه شاخص های حکمرانی خوب اگر چه ممکن است در برخی حوزه ها و برخی دوره ها فراز و نشیب هایی داشته باشد اما این مسئله بیشتر به روند اجرایی و مدیریتی دولتها بر می گردد و اسناد بالادستی به ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ظرفیت های بزرگی را در این زمینه دارد که می توان در راستای تحقق هر چه مطلوبتر آن کوشید همچنین امام خمینی نیز در موارد متعدد به این مولفه ها اشاره کرده اند. البته می توان برای به فعلیت رساندن ظرفیت های بالقوه اسناد بالادستی اقدامات مثبتی را انجام داد که می تواند در موفقیت برنامه های توسعه و سند چشم انداز موثر باشد. برای نمونه می توان راهکارهای زیر جهت ارتقای کیفیت شاخص های حکمرانی اشاره کرد که در حقیقت می تواند به اهداف جمهوری اسلامی جامعه عمل پوشانده که هم در اسناد بالادستی و هم در دیدگاه های امام خمینی (ره) جایگاه والایی دارد.

### ۱. راهکارهای بهبود شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی

- دادن اختیار و تضمین قانونی به نهادهای مدنی و به خصوص مطبوعات برای کسب هر گونه اطلاع از نظام اداری کشور و پاسخ خواستن از مدیران؛ سازمان های جامعه مدنی نقش مهم پل ارتباطی میان شهروندان و دولت را بر عهده دارند. این تشکل ها به تجمیع و تبیین منافع شهروندان، نظارت بر عملیات اجرایی دولت و پاسخگو کردن دولت از طریق تجهیز عموم مردم و نمایندگان پارلمان به اطلاعات مورد نیاز و نیز انجام کار کارشناسی درباره آثار سیاست های ویژه دولت و شقوق مختلف سیاست ها می پردازند (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۰۷).

جهت افزایش میزان پاسخگویی دولت باید جامعه را به تأسیس سازمانهای مدنی تشویق کرد که سیاست های زیر برای رسیدن به این مهم پیشنهاد می گردد:

الف) رفع موانع حقوقی بازدارنده تأسیس سازمانهای جامعه مدنی و همچنین ساده سازی، آسان سازی و ارزان سازی مراحل اداری تشکیل

ب) پیشنهاد بخشودگی مالیاتی این نوع تشکل ها (آرایی، ۱۳۸۸)



دریافت نظر مردم در رابطه با قوانین: پیش نویس کلیه قوانین و مقررات قبل از اینکه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند طی اطلاعیه‌هایی که مبین اهداف آن سیاست‌ها است از طریق رسانه‌ها به اطلاع عموم مردم رسانده می‌شوند (میدری، ۱۳۸۵).

- ایجاد شفافیت و جریان آزادی اطلاعات در نظام اداری کشور (اعرابی، ۱۳۸۰).

- به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی از سوی دولت (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۷).

## ۲. راهکارهای ارتقاء شاخص اثربخشی دولت

- ساده سازی روش‌ها، رویه‌ها و فرایندهای انجام کار به منظور رضایت ارباب رجوع و کاهش هزینه های دولت

- در نظر گرفتن یک سیستم جامع برای پذیرش و بررسی پیشنهاد های مردم

- اعطای اختیارات کافی به مقامات میانی و همچنین پرسنل به منظور تسریع جواب گویی به

ارباب رجوع

- تقویت ظرفیت اداری و اجرایی مؤسسات دولتی: اصلاح مؤسسات دولتی و ارائه خط مشی‌ها و فناوری های نوین غالباً یکی از چالش‌هایی است که در زمان کمبود آموزشهای کافی مستخدمین دولت یا زمانی که کارکنان دولت به لحاظ روابط شخصی و نه صلاحیت های حرفه ای، همچنان در سازمانها ماندگار شده اند به وجود می‌آید (قنبری، ۱۳۹۱: ۲۸۸)

## ۳. راهکارهای ارتقاء شاخص ثبات سیاسی

ایجاد یگانگی فکری و عقیدتی میان نخبگان سیاسی: در اغلب نظام های سیاسی، مجموعه یکدستی از اندیشه‌ها و افکاری که همه نخبگان سیاسی به آن پایبند باشند، وجود دارند، در عین حال تضارب و اختلاف آرای نخبگان سیاسی امری محترم و در بسیاری از موارد مفید است. اما زمانی که این اختلاف آرا به صورت منازعه و دعوای سیاسی در آید، بی ثباتی را در پی خواهد داشت که حتی در مواردی به عنوان تهدیدی جدی علیه نظام محسوب می‌شود. لذا برای رسیدن به ثبات سیاسی در ایران پیشنهاد می‌شود که در رأس تصمیم های مهم ایران نخبگانی قرار داشته باشند که حتی الامکان به مجموعه یکدستی از اندیشه‌ها پایبند باشند.

## ۴. راهکارهای بهبود شاخص حاکمیت قانون

- بین تصویب و اجرای قوانین فاصله زمانی پیش بینی شود تا امکانات اجرایی و زمینه‌های فرهنگی و آموزشی آن فراهم گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

- برای اجرای قوانین، ضمانت اجرای کافی پیش بینی گردد و به نحوی اقدام گردد که قوانین

و مقررات صرفاً برای درج در مجموعه قوانین نباشد.

- اصلاح قوه قضائیه: نظام قضایی نیز باید اصلاح و تقویت شود تا بتواند با کارآمدی، سازگاری و عدالت، قوانین را تنفیذ کرده و به این وسیله استقرار حاکمیت قانون را برقرار و برای شهروندان ابزاری برای حل و فصل دعاوی و شکایات فراهم سازد (قنبری، ۱۳۹۱: ۲۸۹).

- ایجاد ساز و کارهای نوآورانه، مانند روش های نوین برای حل منازعات، تأمین مشارکت بیشتر سازمان های غیردولتی و سایر ترتیبات نهادی جدید (خیرخواهان و میدری، ۱۳۸۳).

#### ۴-۱ راهکارهای بهبود شاخص کیفیت قوانین و مقررات:

- تلاش در جهت سازگار کردن قوانین تجاری ایران با کشورهای طرف مبادله تجاری به منظور بهبود در روابط تجاری که به این منظور قوانین تجاری آن کشور توسط افراد متخصص تحلیل شود (پاکدامن، ۱۳۷۵)

همانطور که مدیران بخش خصوصی برای تحصیل سودهای انحصاری در بازار، کمبودهای ساختگی ایجاد می کنند مدیران ادارات دولتی برای ایجاد فرصت های رشوه گیری و تحصیل حداکثر درآمد دستگاه اداری دولت را انباشته از قوانین غیر ضروری می کنند این امر کانال تصمیم گیری سیستم اداری را مسدود می کند و از کارایی و اثر بخشی آن می کاهد یک راهکار پیشنهادی برای حل این مشکل تشکیل تیم هایی از افراد متخصص در هر مؤسسه وابسته به دولت است تا این افراد با انجام کارشناسی فقط مراحل ضروری انجام هر کار اداری را مشخص کنند در مرحله بعد این مراحل که فقط شامل موارد بسیار ضروری است تبدیل به قانون شود.

- کاهش مقررات دست و پا گیر: در برخی از نظام های کشورهای توسعه نیافته قوانین و مقررات نامحدودی به شکل الزامات اداری، حقوقی و قانونی وجود دارد که بسیار دست و پا گیر، زمان بر و پرهزینه هستند باید نسبت به حذف آنها اقدام کرد.

#### ۵. راهکارهای مبارزه با فساد در ایران

- اصلاح ساختار سازمان های دولتی، رفع بوروکراسی، سیاست زدایی از نظام اداری (منوریان، ۱۳۷۹)

- فراهم کردن زمینه مشارکت فعال سازمان های غیر دولتی جامعه مدنی برای پیشگیری از ایجاد گروه های غیر رسمی قدرتمند

- مشخص ساختن و کارآمد کردن قوانین حقوقی و تنظیمی

- روشن ساختن قوانین مربوط به تضاد منافع

- تأسیس کمیسیون های مستقل مبارزه با فساد (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۷).

## نتیجه گیری

دین اسلام به عنوان مجموعه ای کامل برای زندگی بشر برای تمامی اعصار توسط پیامبر اکرم (ص) برای بشر به ارمغان آورده شد. دینی که به تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر توجه دارد و قابلیت پاسخگویی به نیازهای بشر در هر زمانی مهم ترین ویژگی آن است. بر این اساس این مقاله تلاشی بود تا نشان دهد که اسناد بالادستی به ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر پایه آموزه های اصیل اسلام تدوین شده است به شاخص های حکمرانی خوب که ره آورد بشر در عصر مدرن می باشد تاکید داشته و در اصول متعدد به آنها پرداخته است. آنچه در آمارها و شاخص های سازمان های بین المللی مطرح شده است هیچ گونه تضاد مبنایی با قانون اساسی ندارد. می توان ادعا کرد این معیار های و شاخص ها از جمله دغدغه ها و اهداف اصلی تشکیل حکومت های سیاسی و اجتماعی در اسلام می باشد. آموزه هایی همچون: عدالت، حقوق گروه های مختلف اجتماعی، مبارزه با ظلم و فساد و حضور مردم در عرصه های مختلف جامعه. آنچه را که دنیای مدرن امروز در قالب حکمرانی خوب مطرح می نماید را پیامبر اکرم (ص) در اولین تشکیل حکومت اسلامی پس از هجرت به مدینه در الویت قرار داد و پایه های حکومت خویش را بر پایه یک اصول قانون اساسی شکل داد که در بند بند آن می توان اهمیت موضوعات مذکور را مشاهده نمود. بنابراین می توان ادعا کرد جمهوری اسلامی ایران می تواند بر اساس ظرفیت های بالای مبانی اصیل اسلامی در افزایش کیفیت این شاخص ها گام های بلندتری بردارد.

## منابع و مأخذ:

۱۹. منوریان، عباس، ۱۳۷۹، *زودولت خوب تا حکومت داری خوب*، فصلنامه علمی کاربردی مدیریت دولتی، شماره ۵۰
۲۰. میدری، احمد، خیر خواهان، جعفر، ۱۳۸۳، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، مرکز پژوهش‌های مجلس
۲۱. میدری، احمد، ۱۳۸۵، *مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب*، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲
۲۲. نجفی، مرتضی، محسنی، فرید، ۱۳۸۸، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات بین المللی الهدی
۲۳. وحید، مجید، ۱۳۸۷، *سیاست گذاری عمومی*، تهران، نشر میزان
۱. آریایی، وحید، ۱۳۸۸، *حکمرانی خوب الگویی جدید در سیاست گذاری عمومی*، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره ۱۴
۲. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۶، *جامعه مدنی و خلیقات ما ایرانیان در تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۳. اشرفی، مجتبی، ۱۳۷۵، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر گنج دانش
۴. اعرابی، سیدمحمد، ۱۳۸۰، *مطالعه نظام پاسخگویی دولت در ایران*، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۵۵
۵. پاکدامن، رضا، ۱۳۷۵، *عوامل حقوق بازدارنده و محدود کننده صادرات ایران*، مجموعه مقالات اولین همایش سیاست های بازرگانی و تجارت بین الملل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
۶. جاسسی، جواد، نفری، ندا، ۱۳۸۸، *طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز*، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶
۸. جدی نیا، محمد، ۱۳۷۸، *خاتمی مشغول سیاست است و از اقتصاد غافل مانده*، ترجمان اقتصادی، شماره ۶
۹. خمینی، روح الله، ۱۳۸۳، *صحیفه نور (جلد ۲۲)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، روح الله، ۱۳۸۴، *مکاسب محرم تا طبع مهر، تهران*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۱. خمینی، روح الله، ۱۳۸۱، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم
۱۲. راعی، مسعود و عطریان، فرامرز، ۱۳۹۱، *حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره ۱.
۱۳. ضمیری، عبدالحسین، ۱۳۸۸، *حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
۱۴. قلی پور، رحمت اله، ۱۳۸۴، *تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری*، مجله فرهنگ مدیریت، شماره ۱۰
۱۵. قنبری، علی، ۱۳۹۱، *توسعه اقتصادی و توسعه انسانی*، تهران، نشر چالش
۱۶. کاتوزیان، محمد علی، ۱۳۷۹، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمد نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ هفتم، تهران، نشر مرکز
۱۷. کمیجانی، اکبر، سلاطین، پروانه، ۱۳۸۷، *بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب*، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲
۱۸. کمیجانی، اکبر، ۱۳۸۲، *ارزیابی عملکرد خصوصی سازی در ایران*، انتشارات معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی
- Daines r.Gow I.Larcker D(2010):*Rating the rating:How good are commercial governance rating?*Journal of Financial Economics,98,439-461
- Elahi KH.(2009):*UNDP on good governance*.International Journal of Social Economics,36(12):1167-1180
- Gradstein,M,(2008):*Governance and growth*,Journal of Devlopment Economics,(73)505-518
- Maurseth.p.(2011),*Governance Indicators:A guided Tour,NUPI Working Paper*.Norsk Utenrikspolitisk Institut.3-43
- Transparency International(2006)*International Corruption Perceptions Index*
- UNDP (2010):*Characteristics of good governance,present at:*<http://www.inf.org/eternalipubs/FT/exvpgoven/govindex.htm>
- UN-HABITAT(2006)*the urban governance index:a tool of the quality of urban governance*,Beirut
- سایت های اینترنتی:
- 1.<http://maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=3&pageid=402>
- 2.<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99709>